

حقوق والدین

گرچه روال بحث در این مجموعه مقالات، اقتضا داشت که حقوق پدر و مادر را پیش از حقوق فرزندان، مورد بررسی قرار دهیم ولی به دلیل غفلت بسیاری از مردم از حقوق فرزندان خویش، ترجیح دادیم بحث از آن را مقدم بدانیم.

و اما حقوق والدین از مسائلی است که در میان عامه مردم، مشهور و معروف است و بر آن تاکید فراوان شده است. کتب آسمانی بر آن تاکید کرده و احادیث در مورد آن فراوان است. علما و دانشمندان و خطباء، سخنها رانده‌اند و شاعران، شعرها سروده‌اند و نویسندگان، داستانها در این باره نگاشته‌اند؛ در عین حال بسیار دیده می‌شود که اشخاص متعهد و متدین نیز از اهمیت آن غفلت نموده و مراعات حدودی که خداوند تعیین فرموده است نمی‌نمایند.

ما در این بحث کوتاه، نخست آباتی که در قرآن کریم آمده است مورد بررسی قرار داده و سپس روایات و مطالب متفرقه‌ای را که در این باره قابل توجه است، می‌آوریم.

حقوق والدین در قرآن کریم

خداوند متعال در بیش از ده آیه از قرآن، سفارش پدر و مادر را به تعبیرات گوناگون، فرموده است که نکات جالبی در این آیات به نظر می‌رسد.

نکته اول: در چند آیه از قرآن، نیکی و احسان به پدر و مادر را پیرو توحید و عبادت خود ذکر فرموده است که نشانگر اهمیت فوق‌العاده این مطلب است. در سوره بقره، آیه ۸۳ می‌فرماید:

«وَأَذِّنْ لَنَا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا مِّنْ أَسْمَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ اللَّهَ وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا...» به یاد آور آنگاه که از بنی اسرائیل تعهد گرفتیم که پرستش نکنید مگر خدا را و به پدر و مادر نیکی کنید...

و در سوره نساء) آیه ۳۶ می‌فرماید:

«وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا...» خداوند را پرستید و به او شرک نوزیدید و به پدر و مادر احسان کنید.

و در سوره انعام، آیه ۱۵۱ می‌فرماید:

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ كَيْفَ نَحْوِ مَا جَعَلْتُم مِّنْ شَيْءٍ مَّحْرُومًا...» این آیه در پاسخ کسانی که چیزهایی را از پیش خود حرام می‌کردند نازل شده و می‌فرماید: بیاید تا بر شما بخوانم آنچه را خداوند حرام فرموده است؛ هرگز به او شرک نوزیدید و به پدر و مادر نیکی کنید و در سوره اسراء، آیه ۲۳ می‌فرماید:

«وَقَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا...» و خداوند حکم حتمی فرموده است که باید بجز او کسی را نپرستید و به پدر و مادر احسان کنید.

و در سوره لقمان، آیه ۱۴ می‌فرماید: «...أَنْ أَشْكُرَ لِمَا كَفَّرْنَا بِهِ عَنْكَ وَمَا كُنَّا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ...» مرا سپاس گوی و پدر و مادرت را.

در این آیه عظمت مقام پدر و مادر بحثی می‌رسد که سپاسگزاری از زحمات آنها را خداوند با سپاس و شکرایی که برای نعمتهای بی‌کران او لازم است، در یک سطح قرار داده و با هم ذکر نموده است. «مرا و پدر و مادرت را شکرگزار باش».

تاکید قرآن بر ذکر احسان و مراعات پدر و مادر در سطح توحید و نفی شرک و عبادت و پرستش و شکر نعمتهای الهی به روشنی این مطلب را ثابت می‌کند که عدم رعایت حق پدر و مادر پس از توحید و پرستش خداوند، بزرگترین گناه پس از شرک است و لذا آن را در سوره اسراء که در مورد شمارش گناهان کبیره آمده بلافاصله پس از شرک و پیش از سایر کیفرات ذکر فرموده است البته به تعبیر لزوم و وجوب احسان.

احسان به والدین در شرایع آسمانی

نکته دوم: این حکم اختصاص به شریعت اسلام ندارد بلکه در طول تاریخ شرایع آسمانی مورد تأکید قرار گرفته است. در سوره بقره، آیه ۸۳ و جوب احسان به والدین را پیرو عبادت خداوند، جزء پیمانها و وظائف حتمی بنی اسرائیل شمرده است. و در سوره مریم، آیه ۱۴ در مدح و تمجید حضرت یحیی علیه السلام می فرماید: «وكان تقياً و براً بوالديه...» یعنی آن حضرت پرهیزکار و به پدر و مادر نیکوکار بود. و همچنین در سوره مریم، آیه ۳۲ به نقل از حضرت عیسی علیه السلام آن گاه که در گهواره به اذن خدا سخن گفت و از مادر خویش دفاع کرد می فرماید: «وبرأ بوالدتي ولم يجعلني جباراً شقياً». خداوند مرا به مادرم نیکوکار قرار داد و مرا ستمگر و شقی قرار نداد.

و گفته شده که در تورات فعلی آمده است که حکم کسی که پدر و مادر را ناسزا گوید اعدام است. اصولاً این حکم و قانون الهی برای نوع انسان است و لذا در سه مورد از آیات قرآن به عنوان: «ووصينا الانسان بوالديه» آمده است یعنی ما انسان را به پدر و مادرش سفارش کردیم که به آنان احسان و نیکی کند. این مطلب در سوره عنکبوت، آیه ۸ و در سوره لقمان، آیه ۱۴ و در سوره احقاف، آیه ۱۵ آمده است؛ درحالی که نسبت به سایر تکالیف و وظایف شرعی، خطاب به مؤمنین می فرماید ولی این سفارش را به نوع انسان فرموده است و این اشاره است به اینکه مقتضای انسانیت، احسان به والدین است.

و طبیعی است که این قانون به شریعت و مذهبین نباید اختصاص داشته باشد زیرا حکمت تشریح آن بستگی به رابطه والدین و فرزند دارد. پدر و مادر همه امکانات خود را با نهایت اخلاص در راه حفظ و نگهداری و تربیت فرزند فرار می دهند تا او مستقل و بی نیاز شود، پس باید این همه زحمت و تلاش آنان را شکرگزار باشد و اگر کسی محبت ها و زحمتهای پدر و مادر را فراموش کند با نادیده بگیرد، وجدان خود را فراموش کرده است و از یک وظیفه انسانی سرباز زده است. بنابراین، تشریح الهی بر طبق سنت طبیعی خداوند، انسان را ملزم به همان امری کرده که وجدان او اقتضا دارد و چنین قانونی نمی شود اختصاص به جامعه یا شریعتی داشته باشد.

احسان به والدین مقید به حدودی نیست

نکته سوم: خداوند در این آیات، نوع خاصی از تجلیل و احترام و نیکی و احسان را ذکر فرموده است بلکه مطلق انسان را دعوت به

رعایت حال پدر و مادر و احسان به آنها فرموده است. و نتیجه ای که بدست می آید این است که هرگونه احترام و نیکی درباره آنها، مورد امر و دستور خداوند است و هرگز مقید به حدودی نیست بجز قدرت و امکان از نظر عقلی و شرعی. هر چه انسان در توان دارد، باید نسبت به پدر و مادر مضایقه و کوتاهی نکند.

در برخی آیات دستور خاص نسبت به کمک مالی شده است و پدر و مادر را درصدر کسانی که باید به آنها کمک شود ذکر فرموده است. در سوره بقره آیه ۲۱۵ در پاسخ کسانی که می پرسند: چرا اتفاق کنیم؟ می فرماید:

«قل ما انفقتم من خیر فللوالدین والأقربین والیتامی والمساکین واین السبیل...». بگو هر چه از خیر اتفاق می کنید، به پدر و مادر و خویشان نزدیک و یتیمان و فقیران و درماندگان اتفاق کنید...

و در آیه ۱۸۰ همین سوره درباره وصیت نسبت به اموالی که از انسان باقی می ماند، می فرماید: «کتب علیکم اذا حضر أحدکم الموت ان ترک خیراً الوصیة للوالدین والأقربین بالمعروف...». بر شما فرض و واجب شده است که اگر کسی از شما را مرگ فرا رسد و از خود مالی باقی گذاشته باشد، وصیت کند بمقدار متعارف که به پدر و مادر و خویشان نزدیک بدهند. البته این بعلاوه مقداری است که به عنوان ارث می برد.

در وقت دعا و نیایش نیز نباید والدین را فراموش کرد. خداوند از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره ابراهیم، آیه ۴۱ نقل می کند که در دعا می گفت: «ربنا اغفر لی ولوالدتی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب». پروردگارا، آن روز که حسابرسی بر پا می شود، بر من و پدر و مادرم و همه مؤمنان ببخشای.

همچنین از زبان حضرت نوح علیه السلام در سوره نوح، آیه ۲۸ نقل می کند که در دعا می گفت: «رب اغفر لی ولوالدتی وللمؤمنین یوم یومئناً». پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر که در خانه ام وارد شود و مؤمن باشد ببخشای.

بهرحال، موارد مخصوصی از احسان نسبت به پدر و مادر ذکر شده است ولی آنچه در این آیات سفارش شده، احسان مطلق است که هرگونه نیکی و رعایت را شامل می شود: از احترام و بزرگداشت و تجلیل گرفته تا کمک و انفاق و دعا و کوشش در نگهداری و خدمت و هرآنچه در توان انسان است که باید در مورد پدر و مادر دریغ نداشت.

تشکر و سپاس از والدین

نکته چهارم: این احسان و خیرخواهی و خدمت را باید به عنوان تشکر و سپاس از زحمات طاقت فرسای آنان انجام دهد نه اینکه آن را یک تفضلی از پیش خود بدانند که برآنان منت نهد. در سوره لقمان می‌خوانیم: «ان اشکر لی ولوالدیک». بدون شک همراهی شکر خدا با شکر پدر و مادر نشانه این است که لطف و محبت‌های والدین همانند نعمت‌های الهی:

اولاً: آنقدر بزرگ و عظیم است که هرگز انسان را یارای جبران و قدردانی و سپاسگویی آنان نیست و تنها به مقدار قدرت و امکانی که دارد از آنان تشکر می‌کند.

ثانیاً: باید همواره خود را در انجام شکر واقعی، مقصر بدانند، همچنانکه در انجام شکر الهی آنگونه که سزاوار نعمت‌های بیکران او است، همه انبیا و اولیا قاصرند و دیگران نه تنها قاصر بلکه مقصرند.

ثالثاً: همانگونه که در شکر نعمت‌های الهی نباید به زبان و تعظیم اکتفا نمود بلکه باید به اطاعت و در عمل، آنها را سپاس گفت، همچنین الطاف و محبت‌های پدر و مادر را نیز عملاً باید تشکر نمود و باید آنچه را که سزاوار مقام آنان است، از احترام و خدمت و کمک به عنوان تشکر انجام داد.

رابعاً: شکر الهی خود یک نعمتی است که باز هم نیاز به شکر دارد و همچنین توفیق در انجام خدمت و تشکر عملی از مقام پدر و مادر آنگونه که درخور انسان است، آن هم نعمتی است که باید برآن شکرگزار باشد نه اینکه خود را در این عمل برتر ببیند و برآنان منت نهد.

نیکی به والدین در سن پیری

نکته پنجم: دستورات خاصی را خداوند متعال در مورد پدر و مادری که به سن پیری و کهنلت رسیده‌اند و فرزند متکفل امور آنها شده است، صادر فرموده. در سوره اسراء، آیات ۲۵-۲۳ می‌فرماید: «...وبالوالدین احساناً. اقا یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولاً کریماً. و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه وقل رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً. ربکم اعلم بما فی نفوسکم ان نکونوا صالحین فانه کان للأوابین غفوراً».

این آیات مشتمل بر دستورات زیر است:

۱- احسان مطلق به پدر و مادر در هر حال، و این حکم اختصاص به دوران پیری آنان ندارد، چه آنها محتاج کمک باشند و چه نباشند،

فرزند باید نهایت نیکی را که همان احسان است داشته باشد.

۲- هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها پیر شوند، باید فرزند متکفل امور آنان باشد نه آنها را به دیگران بسپارد و شانه از زیر بار این مسئولیت خالی کند. این حکم در آیه صریحاً ذکر نشده ولی به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است: «اذا یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما». هرگاه نزد تو و در خانه تو یکی از آنها یا هر دوی آنها پیر شوند... این جمله گویای این مطلب است که حتماً در دوران پیری نزد تو خواهید بود. کافی نیست که فرزند نفقه آنان را بپردازد و آنها را رها کند چه در خانه خود تنها و محتاج به دستگیری باشند و چه به مؤسسات نگهداری از سالمندان بسپارد.

این روش که اکنون در غرب رایج است و در بعضی کشورهای اسلامی نیز رخنه کرده است، خلاف دستور خداوند و خلاف مقتضای انسانیت و وجدان بشری است. پدر و مادر نیز تنها محتاج خوراک و پوشاک و خدمات معمولی نیستند بلکه نیازمند محبت و دستگیری و مهربانی می‌باشند و بدون شک این آسایشگاه‌ها فاقد هرگونه گرمی و علاقه است. البته بودن آسایشگاه برای افراد پیری که سرپرست ندارند یا سرپرست آنها به هر دلیل نمی‌تواند یا نمی‌خواهد انجام وظیفه کند لازم و ضروری است ولی فرزند نباید تا آنجا که ممکن است از این مسئولیت، شانه خالی کند و آنها را به دیگران بسپارد.

هرگز از احسان به پدر و مادر خسته نشوید

۳- هرگز نباید انسان از نگهداری و خدمت به پدر و مادر اظهار اترجار و خستگی کند: «ولا تقل لهما اف». «اف» اسم فعل است بمعنای «خسته و منزجر شدن». پدر و مادری که به سن کهنلت و پیری برسند، ممکن است در اثر ضعف و ناتوانی یا بیماری، نیازمند رسیدگی به ساده‌ترین احتیاجات زندگی باشند و حتی گاهی قادر به دفع پلییدی و تطهیر نیستند و ممکن است گاهی در اثر پیری، مشاعر و حواس خود را از دست بدهند که در آن صورت کار مشکلتر می‌شود. نباید انسان از چنین وضعیتی اظهار اترجار و تنفر کند و باید در موقع خدمت به یاد آورد که آنها نیز همه این خدمات را برای او سالیان دراز انجام دادند با یک فرق بزرگ که آنها از روی محبت و عشق و علاقه، همه آن خدمات را انجام می‌دادند و اگر خوب انجام دهد فقط از روی احساس وظیفه است. نباید انسان اینگونه مشکل را نعمت و عذاب بداند بلکه این یک راه استنزاف و فرود آوردن رحمت الهی است؛ این یک توفیق بزرگ است که انسان وسیله‌ای بیابد که



دوران احتیاج و نیاز به آنان که یک امر طبیعی است؛ هراتسانی در برابر ولی نعمت خویش آن هم چنین سرپرست مهربانی که بدون توقع همه چیز خود را در اختیار انسان از روی عشق و علاقه قرار می دهد، بدون شک متواضع و فروتن است. وظیفه آن است که آن روز که پدر و مادر به انسان نیازمندند در برابر آنها در عین مهربانی و رحمت متواضع باشد و خود را کوچک بداند.

خفص جناح در قرآن به معنای تواضع مکرراً آمده است ولی جناح ذل فقط در این مورد ذکر شده. جناح به معنای پبال است. به گفته بعضی از محققان لغت: تواضع دوگونه است، گاهی تواضع انسان را پست می کند مانند تواضع در برابر مستکبران و گردنکشان و گاهی انسان را بالا می برد و موجب عظمت انسان است و آن تواضع در برابر مؤمنان و صالحان و پدر و مادر و معلم و امثال آن است. در چنین موردی تواضع را خفص جناح می گویند. جناح که به معنای پبال پرنده است و موجب بالا رفتن او است این معنی را به ذهن تداعی می کند که در چنین موردی تواضع به انسان جناح می بخشد و با آن به اوج رفعت می رسد. خداوند پیامبرش را امر فرموده است که برای پیروان مؤمن خویش خفص جناح کند. «واخفص جناحک لمن اتبعک من المؤمنین».

و «ذلک» به معنای نرمی و تسلیم است و گفته شده است که ذل (به ضم ذال) در موردی به کار برده می شود که امری از روی قهر و غلبه بر کسی وارد شود گویا انسان خود را در برابر پدر و مادر مقهور و مغلوب می بیند با این که آنها به او نیازمندند او مانند یک برده یا اسیر در برابر آنان با تواضع و فروتنی اطاعت می کند و گفته شده است که فقط به معنای انقیاد و تسلیم در برابر خواسته های آنان است. و بهر حال این جناح ذل از روی رحمت و عطفوت و مهربانی است نه از روی ترس از آنان یا احتیاج به آنان زیرا فرض بر این است که آنان در دوران نیازمندی اند.

دعا و نیایش برای والدین

۷- «وقل رب ارحمهما کما زبانی صغیراً». تنها به رحمت و مهربانی خود اکتفا نکن بلکه برای آنان رحمت و اوسع الهی را بخواه و بگو پروردگارا به آنان رحم و عطفوت خویش را فرو فرست همچنان که آنان مرا در کودکی تربیت کردند. این جمله را خداوند متعال برای تحریک احساسات انسان فرموده است. یعنی به یاد داشته باش

بقیه در صفحه ۵۲

با آن رضای الهی را می توان به دست آورد باید چنین فرصتی را غنیمت شمرد و همه آن مشقات را با جان و دل خرید چرا که در آن رضای خداوند است و از نظر وجدانی نیز انسان خود را قانع می کند که قدری از زیر بار مسئولیت عظیم حق پدر و مادر بیرون آمده و تکلیف خود را تا حدودی انجام داده است.

۴- «ولا تهرهما»- یعنی به آنها سخن درشت مگوی. «نهر» بمعنای نهی و بازداشتن با خشونت است. چه بسا در دوران پیری از انسان کارهای نامزایی سر بزند همچنان که از کودک سر می زند. و انسان ممکن است برای بازداشتن آنها از آن عمل، تند و خشونت از خود نشان دهد بخصوص اگر از تحمل مشقت در راه خدمت و نگهداری آنها خسته شده باشد. خداوند در این آیه، انسان را از درشتگویی در مورد پدر و مادر نهی فرموده است بلکه دستور داده است که حتی در چنین موردی باید سخنی محترمانه داشته باشد.

قول کریم

۵- «وقل لهما قولاً کریماً»: و با آنان با نرمی و احترام سخن بگوی. در مورد روش برخورد و سخن گفتن با پدر و مادر، در روایات، دستورهای جالبی آمده است که در جای خود ذکر خواهد شد ان شاء الله. در بعضی از روایات، «قول کریم» که در آیه آمده است به طلب استغفار تفسیر شده. البته این بیان یک مصداق است و گرنه در هر مورد، خطاب به پدر و مادر باید با احترام باشد. گفته اند: از سوء ادب در سخن گفتن با پدر و مادر این است که آنان را به نام بخوانی. و حتی اگر کافر باشند باید خطاب پدر و مادر به آنها بشود که این خود نوعی احترام و قول کریم است.

و همچنین اگر کسی بخواهد پدر و مادر را از کار خلافی بازدارد باید با تواضع و رعایت احترام تذکر دهد و علم و کمال خود را به رخ آنان نکشد و صدای خود را در حضور آنان بلند نکند.

نهایت تواضع و اظهار کوچکی

۶- «واخفص لهما جناح الذل من الرحمة»- بالهای تواضع و فروتنی را در برابرشان از روی عطفوت و مهربانی فرود آر. این تعبیر کتابه ای لطیف از نهایت تواضع و اظهار کوچکی در برابر پدر و مادر است در عین حال با نهایت محبت و مهربانی و ترحم بر آنان. یعنی آنجا که آنها در اثر پیری و کهولت، نیاز به رحم و شفقت تو دارند باز هم در برابر آنان نهایت تواضع و فروتنی داشته باش و گرنه تواضع در

آن زمانی که به آنان و تربیت آنان نیازمند بودی و آنها با کمال شوق و شغف از تو پذیرائی کردند تا بتوانی بر پای خود بایستی و مستقل باشی. اکنون که آنان محتاج توشده اند برآنان شفقت داشته باش و از خداوند نیز درخواست رحمت برای آنان کن. گفته شده است این آیه دلیل است که یکی از مظان استجاب دعا همین مورد است که فرزند برای پدر و مادر طلب آموزش و رحمت کند و بهرحال دعا و نیایش و توجه به خداوند متعال برای انسان مفید و لازم است هرچند مستجاب نشود.

نتیجه خدمت به پدر و مادر

در پایان این دستوره، خداوند مهربان وعده آموزش به کسانی

«ربنا اغفر لنا ولوالدینا انک سمع الدعاء»

ادامه دارد

بقیه از امر معروف و نهی از منکر

برجسته و موفق مورد توجه دیگر جوامع تشنه عدالت و فضیلت و سرخورده از نظامهای استکباری و مکاتب بوج و ورشکسته قرار می گیرد خطاب الهی: «وَكذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شٰهَدًا عَلٰى النَّاسِ» را جامعه عمل پوشانده و مصداق «خیر امه» می شود که رسالت بزرگ «اٰخِرُ حَیٰتِ لِّلنَّاسِ تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» را در سطح جهانی به انجام میرساند.

و بدینسان اجمالاً معلوم گردید که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک عبادت بزرگ الهی:

۱- از مهمترین طاعات و وظایف الهی است که خداوند برعهده بندگانش خویش قرار داده و باید برای رضای او و تقرب به حضرتش انجام گیرد (وظیفه انسان نسبت به خدا).

۲- از مؤثرترین عوامل خودسازی و تربیت معنوی و اخلاقی است که انسان را نسبت به خوبیها و فضائل گرایش داده و از بدیها و منکرات بیزار کرده و بهترین زمینه را برای آرامش خود به معرفتها و فضائل و زدودن ردائیل و منکرات خویش فراهم میسازد و به فرموده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: «وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوْفِ تَكُنْ اَهْلُهُ» دیگران را به معروف امر کن تا خود نیز اهل معروف شوی.

و بدینوسیله انسان وظیفه بزرگی که نسبت به تربیت و تکامل معنوی خویش دارد انجام میدهد (وظیفه انسان نسبت به خود)

۳- مهمترین پشتوانه و وسیله هدایت مردم و گسترش و برقراری معروف و خیر در جامعه و برچیده شدن فساد و تباهی از آن بود و عامل مهمی است برای پیوند مثبت و سازنده فرد با جامعه و اهتمام بر امور انسانها (وظیفه انسان نسبت به مردم)

لازم به تذکر است که ابعاد فوق الذکریانی است از حقیقت و واقعیتی بگانه یعنی همان عبادت خالصانه حق که در صورت تحقق مطلوب و کامل آن، نتایج مذکور برآن مترتب میشود و در عین حال تمام ابعاد آن در تربیت اخلاقی و رشد معنوی انسان دارای نقش سازنده ای می باشند. چرا که نفس جنبه عبادی آن همانگونه که در فصول دیگر به آن اشاره گردید، چون موجب تقرب انسان به خداست و میزان تقرب به او با خدائی شدن انسان و تجلی فضائل اخلاقی در او هماهنگ است، این خود مهمترین و اصیل ترین عامل برای تربیت اخلاقی است.

و همچنین در مورد بُعد سوم، از آنجا که انسان برای خدا و در طول ایمان به او خود را نسبت به جامعه مسئول می بیند و از کائنات این عبادت به جامعه پیوند میخورد، خود بخود از تنگنای خودپرستی و خودخواهی که خوی حیوانی است به فضای ملکوتی و رسالت الهی مردم خواهی و هدایت جامعه صعود کرده و خود را در زمره «پیروان» رسول خدا می باید بارسالتی پیغمبرگونه:

«قُلْ هٰذِهِ سَبِيْلِيْ اَدْعُوْا اِلَى اللّٰهِ عَلٰى بَصِيْرَةٍ اَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِ» (سجده/۱۰۸)

بگو ای پیامبر! راه من این است. مردم را از روی بصیرت و آگاهی بسوی خدا می خوانم من و هر که مرا پیروی کرده است.